

# ارزش نظریه وجه تولید آسیایی و تاریخچه آن

بخش یازدهم

□□ از: دکتر محمد علی خنجی

## نامه فریدریش انگلس به کارل کاتسکی (مارس ۱۸۸۳)

تکامل تاریخی عبارت است از انحلال تدریجی طریقه اشتراکی در مورد زمین، زنان و سایر امور - روابط جنسی اشتراکی در ادوار اولیه ناشی از تعدی و اعمال جبر نسبت به زنان نبوده است، بلکه يك امر طبیعی و یادگاری از مرحله حیوانی به شمار می آید - روابط جنسی در عهد عتیق بطور متقابل یعنی برای هر دو جنس آزاد و اشتراکی بوده است. استقرار روابط بر مبنای «تك همسری» نمی تواند ناشی از حسادت مردان و محصول عوامل روانی به شمار آید....

در نامه زیر، انگلس به دومین مقاله «کاتسکی» نظر دارد. مقاله مذکور تحت عنوان «ازدواج از طریق ربودن و حقوق مادری، طایفه» در مجله «کسموس» انتشار یافته بود. انگلس در اینجا انتقادات خود را نسبت به هر دو مقاله دنبال می کند:

لندن - دوم مارس ۱۸۸۳

آقای کاتسکی عزیز!

من دومین مقاله شما را دریافت داشته ام و نظر به اینکه حاوی پاسخ شما به انتقاد من بر نخستین مقاله است، بیدرنگ به ادامه مطلب می پردازم (من دقیقاً يك ساعت وقت آزاد دارم که فردا از داشتنش محروم خواهم بود).

قبل از هر چیز باید یادآور شوم، اینکه شما خواسته اید اشتراک زن را - که منکر ماهیت بدوی آن هستید - در يك مرحله ثانوی از تحول قرار دهید، از نظر من مطلبی است مطلقاً غیر قابل قبول. در هر جا که طریقه اشتراکی وجود داشته باشد - چه در مورد زمین و چه نسبت به زنان و چه در سایر امور - این امر بالضرورة يك حالت بدوی و یادگاری از دوره حیوانی است. تمامی جریان رشد و توسعه، عبارت از انحلال تدریجی این طریقه اشتراکی اولیه است. در هیچ مکان و

هیچ زمانی نمی توان نمونه و نشانه ای به دست آورد حاکی از اینکه طریقه اشتراکی در يك مرحله ثانوی و بر مبنای يك مالکیت خصوصی ابتدائی، نشو و نمو یافته باشد. من این نظر را چنان مسلم و غیر قابل تردید و عام الشمول می دانم که حتی اگر شما بتوانید، موارد استثنای آشکاری عرضه دارید... آنها را مطلقاً دلایلی مخالف این نظر به شمار نخواهم آورد بلکه مسئله ای تلقی خواهم کرد که باید در آینده روشن شود....

و اما بعد، شما حق ندارید که در اولین مقاله خود، برای حسادت نقشی قاطع و تعیین کننده قائل شوید و در مقاله دوم آنرا بکلی کنار بگذارید. استنتاج اساسی در مقاله نخستین عبارت است از يك [نوع] «تك همسری» فاقد انسجام که منحصراً بر پایه حسادت بنا گردیده است (زیرا دلایل دیگر، چنانکه یادآور شده ام، از نظر من اعتبار چندانی ندارد)، در این صورت، یعنی اگر حسادت بتواند بر اشتراک اولیه روابط جنسی غالب آید (و شما وجود روابط اشتراکی اولیه را در عین حال بطور غیرمستقیم قبول کرده اید، زیرا یادآور شده اید) که: «در داخل قبیله آزادی کامل روابط جنسی حکمفرما بوده است»، پس [با استناد به گفته خودتان] اگر حسادت بتواند این آزادی اولیه در حصار «تك همسری» موقت، محصور و مقید گرداند، در این صورت به طریق اولی قادر بر آن خواهد بود که موانع کوچکتر را به آسانی از میان بردارد. می دانیم که مالکیت اشتراکی قبیله بر اسرای جنگی، مانع ضعیف تری است. زن از نظر زن بودن، در همه حال زن است؛ چه آزاد باشد و چه برده. هنگامی که موضوع مربوط به زنان برده [کنیز] باشد، حسادت مرد با سهولت بیشتری می تواند تملک فردی را تحمیل نماید، یعنی سهلتر از موردی که موضوع مربوط به زنان آزاد باشد ولی [از نظر شما] به محض آنکه ازدواج با اسرای جنگی پیش می آید، حسادت مردان ناگهان از میان می رود. اشتراک زن که در حالت اولیه برای آنها بسیار هراس انگیز بوده، در این مورد امری قابل قبول و مطبوع می گردد؛ آنهم پس از متداول شدن «تك همسری» یا تعدد زوجات - حتی برای اقوام سامی که دارای حرمسرا هستند - [از نظر شما] مردان هیچ ناراحت

برای آنکه تولید کاپیتالیستی به وجود آید، باید در روند تاریخ، پیوستگی اولیه بین کار و وسایل و ابزار کار از میان برود و میان آندو جدائی بیفتد. به علت ادامه مالکیت جماعتی زمین در روسیه، هنوز در آن کشور در قلمرو اقتصاد کشاورزی، کاربیله و آزاد یعنی کارگر مزدور به اندازه کافی وجود ندارد، زیرا دهقان روسی دارای رسی از اراضی جماعتی است و به این ترتیب با مصالح و وسایل کار همچنان پیوند خود را حفظ کرده است.

یکی از صفات متمیز تولید سرمایه‌داری، جدائی نیروی کار و ابزار کار است: در حقیقت اقتصاد مذکور بر پایه همین جدائی به وجود می‌آید و در جریان رشد و تکامل خود، رفته‌رفته آنرا شدیدتر و کاملتر می‌گرداند، تا آنجا که جدائی این دو رکن، در جامعه به صورت امری عادی و معمولی درمی‌آید. پس برای آنکه اقتصاد سرمایه‌داری بتواند به وجود آید، لازم است که در روند تاریخ و در پی یک سلسله تطورات، پیوستگی اولیه بین وسایل تولید و نیروی کار از میان برود و توده مردم یعنی آنها که کار می‌کنند و فاقد وسایل تولید هستند در یک سو، و افرادی که مالک وسایل تولیدند ولی کار نمی‌کنند، در سوی دیگر قرار گیرند و بین این دو قطب رابطه‌ای بر مبنای خرید و فروش نیروی کار به وجود آید تا دو عنصر مذکور به یکدیگر ملحق شوند و عمل تولید امکان‌پذیر گردد. تکون سرمایه و استیلای آن بر تولید، از سوی دیگر مستلزم آن است که قبلاً تولید کالائی و مبادله محصولات تا حدی گسترش یافته باشد؛ ولی تنها در نظام سرمایه‌داری است که تولید کالائی به صورت غالب و مسلط درمی‌آید و سراسر قلمرو فعالیت‌های اقتصادی را دربرمی‌گیرد. تا زمانی که تولید کالائی گسترش نیافته باشد و کار بطور کامل از ابزار و وسایلی که برای تحقق آن لازم است جدا نشده باشد، تولید سرمایه‌داری، به موانعی برخورد می‌کند. مالکیت جماعتی زمین از جمله همین موانع است، چنان که در روسیه [قرن نوزدهم] به علت ادامه مالکیت ارضی جماعتی، مالکان زمین با یک مشکل اساسی مواجه هستند که عبارت است از کمبود عرضه نیروی کار یعنی قلت کارگر مزدور، به نحوی که مالکان حتی در صورتی که سرمایه پولی کافی برای پرداخت دستمزد نیز در اختیار داشته باشند، قادر نیستند در موقع مناسب و به تعداد کافی، کارگر کشاورزی استخدام کنند. علت این امر ادامه مالکیت جماعتی زمین است که به دهقان اجازه می‌دهد از زمینهای مذکور رسی داشته باشد. به این ترتیب در روسیه [قرن نوزدهم] در قلمرو اقتصاد کشاورزی، هنوز کار آزاد - به معنی علمی کلمه - به حد کافی وجود ندارد، زیرا پیوند دهقان با وسایل تولید بطور کامل گسیخته نشده است.

مطالب مشروح فوق، در کتاب دوم کاپیتال در قالب عبارات زیر بیان شده است:

... این امر که فروش نیروی کار... نه به شکل پدیده‌ای منفرد بلکه به صورت شرط کلی و عادی برای تولید کالاها درآمده است، دال بر وقوع یک سلسله تحولات تاریخی است، تطوراتی که پیوستگی اولیه بین وسایل تولید و نیروی کار را از میان برده و توده

نمی‌شوند که در معبد یا در دوره‌های معین، زنانشان را به این مرد یا آن مرد تسلیم نمایند! نه! دوست عزیز، شما نمی‌توانید مسائل را تا این حد سهل و ساده نمایش دهید....

اگر حسادت بوده که مانع روابط جنسی اشتراکی شده است، در این صورت علی‌القاعده می‌بایست آنرا برای تمام ازمنه و همچنان تا عصر جامعه کاپیتالیستی، به شکل مسئله‌ای مختومه و مفرغ عنه درآورده باشد....

اینکه [نوشته‌اید] آزادی زن در مرحله نخستین - مرحله نخستین خودتان - به استقرار «تک همسری» کمک کرده است به دلیل آنکه این امر نمی‌توانسته است از اجبار و فشار ناشی شده باشد، اشارتاً یادآور می‌شوم که من با این نظر مخالفم. روابط جنسی اشتراکی را بر تعدی و جبر مبتنی دانستن، ناشی از یک استدلال غلط است، این تحریفی است که در ادوار اخیر صورت گرفته و علت این بوده است که روابط اشتراکی مذکور را به صورت یکجانبه یعنی اشتراک زنان برای مردان و بر طبق میل آنان در نظر مجسم نموده‌اند. چنین تصویری مطلقاً مغایر با واقعیت اولیه است. [در حالت بدوی] روابط جنسی برای هر دو جنس، اشتراکی و آزاد بوده است....

بعلاوه، با منحصر ساختن روابط جنسی اشتراکی و آثار آن به ازدواج از طریق ربودن زنان بیگانه، شما این نوع ازدواج را به صورت نمونه غالب و رایج درمی‌آورید و به این عنوان گسترش فوق‌العاده‌ای برای آن قائل می‌شوید. ولی هیچ دلیلی بر این مطلب عرضه نمی‌دارید.

بقیه مقاله شما در دریائی از فرضیه‌ها غوطه‌ور است، بدون شک تعدادی از این فرضیه‌ها، در مورد بعضی ادوار یا نسبت به برخی از مناطق مجزا صدق می‌کند، ولی شما با عجله آنها را تعمیم می‌دهید....

من متقاعد شده‌ام که اگر شما این مطالعات را ادامه دهید، یا آنکه بعد از اندک زمانی آنرا از سر بگیرید، به نتایجی مغایر آنچه رسیده‌اید خواهید رسید و خودتان متأسف خواهید شد از اینکه در قلمرو موضوعی چنین معضل باچنان شتابی به پیش رانده‌اید. شما مسئله را مورد غور و تعمق فراوان قرار داده‌اید ولی با شتابزدگی بسیار به نتیجه‌گیری پرداخته‌اید و بعلاوه شما نسبت به عقاید بااصطلاح «انسان‌شناسان» بیش از اندازه، وقع می‌گذارید.... (فریدریش انگلس)<sup>۱</sup>

## «کاپیتال»

(کتاب دوم - ۱۸۸۵)

برای مستخرجات زیر به همان ترتیبی عمل می‌کنیم که در مورد کتاب اول کاپیتال یادآور شده‌ایم یعنی دو ترجمه مختلف به زبان فرانسوی را مآخذ قرار می‌دهیم. مآخذ مذکور عبارتند از: ۱- ترجمه «مولیتور»<sup>۲</sup> که آنرا با علامت اختصاری (Mol) مشخص می‌سازیم. ۲- ترجمه جدید ماکسیمیلیان روبل<sup>۳</sup> (در جلد دوم از مجموعه آثار اقتصادی مارکس) که با حروف (Rub) به آن اشاره می‌کنیم. غیر از مآخذ فوق، در بعضی موارد مشخصات ترجمه‌های دیگر نیز به دست خواهیم داد.

## مالکیت جماعتی زمین در روسیه

مالکیت ارضی جماعتی، مانعی بر سر راه تولید سرمایه‌داری است.

تجارت جهانی در مورد ملت‌هایی از قبیل چینیان، هندیان و عربان، انهدام وجه تولید آنها بوده است....

در جمیع صور اجتماعی تولید، عوامل همواره عبارت است از فرد تولیدکننده و وسایل تولید، ولی تا موقعی که این دو از یکدیگر جدا باشند، هر یک از آنها فقط بالقوه عامل تولید به شمار می‌آید. برای آنکه هر دو بالفعل عامل تولید باشند، باید به یکدیگر ملحق گردند. نحوه این الحاق یعنی چگونگی ارتباط بین تولیدکنندگان و وسایل تولید، مراحل مختلف بنیان اقتصادی اجتماع را مشخص می‌سازد. نظام سرمایه‌داری بر جدائی این دو عامل از یکدیگر مبتنی است و الحاق آن دو از طریق خرید و فروش نیروی کار صورت می‌گیرد. با رشد سرمایه‌داری تمام طریقه‌های مختلف تولید کالا، جای خود را به طریقه کاپیتالیستی تولید کالا واگذار می‌کند. این طریقه در جریان رشد تدریجی خود، جمیع وجوه تولید پیشین را درهم می‌شکند. به عبارت دیگر وجوه تولید مذکور که مبتنی بر رفع احتیاجات مستقیم شخص تولیدکننده است و فقط قسمتی از محصولات را که زائد بر احتیاج است به صورت کالا درمی‌آورد، در برابر وجه تولید سرمایه‌داری که منحصر بر تولید کالا و فروش آن مبتنی است، از پای درمی‌آید. طریقه کاپیتالیستی، فروش محصول را هدف اساسی خود قرار می‌دهد و ظاهراً کاری به وجوه تولید پیشین ندارد، ولی سرانجام در اثر رونق دادوستد و ایجاد بازار جهانی براساس طریقه کاپیتالیستی، وجوه تولید مذکور منهدم می‌گردد؛ چنانکه وجه تولید ملت‌هایی از قبیل چینی‌ها، هندیها و عربها در اثر توسعه تجارت بین‌المللی در هم شکسته شد. مؤلف کاپیتال در بیان همین معنی چنین می‌نویسد:

... وجود يك طبقه کارگر مزدور، لازمه تولید سرمایه‌داری است. همان اوضاع و احوالی که طبقه مذکور را به وجود می‌آورد، سبب می‌شود که هر نوع تولید کالا به تولید کاپیتالیستی کالا مبدل گردد. به تدریج که طریقه مذکور [سرمایه‌داری] توسعه می‌یابد، جمیع طریقه‌های پیشین تولید را به تلاشی و انهدام می‌کشاند - بخصوص طریقه‌هایی که جز برآوردن نیازمندیهای مستقیم شخصی، هدف دیگری ندارد و تنها مازاد تولید را به کالا مبدل می‌سازد. تولید کاپیتالیستی، فروش محصول را مقدم بر هر امر دیگر قرار می‌دهد و در آغاز کار - یا اقلاً به ظاهر - وجه تولید [پیشین] را رأساً هدف حمله قرار نمی‌دهد، چنانکه فی‌المثل اولین نتیجه تجارت جهانی کاپیتالیستی در مورد ملت‌هایی از قبیل چینی‌ها، هندیها و عربها و غیره همین بوده است. ولی در هر جا که این طریقه مستقر می‌شود، تمام طریقه‌های تولید کالا را که بر کار شخصی تولیدکننده یا صرفاً بر فروش مازاد محصول بعنوان کالا مبتنی است درهم می‌شکند. طریقه کاپیتالیستی بدو تولید کالا را متمم می‌دهد و انگاه به تدریج تمام طریقه‌های تولید کالا را به طریقه کاپیتالیستی تولید کالا مبدل می‌سازد.

همیشه و در جمیع صور اجتماعی تولید، کارگران و وسایل تولید، عوامل تولید را تشکیل می‌دهند، ولی این دو تا زمانی که از یکدیگر جدا هستند فقط بالقوه عامل تولید به شمار می‌آیند. برای آنکه تولید تحقق یابد، لازم است که آن دو به یکدیگر ملحق شوند. نحوه این الحاق است که مراحل مختلف بنیان اقتصادی اجتماع را از یکدیگر متمایز می‌گرداند.....<sup>۲</sup>

مردم - کارگران فاقد وسایل تولید - را در برابر مالکان آن وسایل - مالکانی که کار نمی‌کنند - قرار داده است. اینکه قبل از زوال پیوستگی اولیه، کارگر خودش صرفاً یک وسیله تولید، یعنی جزئی از مجموع وسایل تولید بوده باشد یا مالک آن وسایل، در این مورد چندان اهمیتی ندارد.... بنابراین تبدل مداوم و مسلسل «سرمایه پولی» به «سرمایه تولیدی [وسایل کار و مواد اولیه + نیروی کار]»، بر یک نوع توزیع متکی است - توزیع نه به معنای عادی کلمه یعنی توزیع مواد مصرفی، بلکه توزیع خود ارکان تولید؛ یعنی اینکه عوامل مادی تولید در یک سو متمرکز گشته است، در حالی که نیروی کار در سوی دیگر و مجزای از آن قرار دارد.... ما قبلاً دیدیم که تولید سرمایه‌داری پس از آن که مستقر شد، در جریان رشد و توسعه تدریجی خویش، نه تنها این جدائی را همچنان برقرار نگه می‌دارد، بلکه به آن بیش از پیش شدت و وسعت می‌بخشد، تا آنجا که جدائی مذکور به صورت حالت اجتماعی عادی و عمومی درمی‌آید. ولی مطلب یک جنبه دیگر نیز دارد: برای آنکه سرمایه بتواند تکون یابد و بر تولید مسلط گردد، حدی از توسعه دادوستد لازم است؛ بنابراین مستلزم وجود تولید کالائی و تسلسل مبادله کالاهاست. در حقیقت هیچ جنسی نمی‌تواند بعنوان کالا در جریان مبادلات قرار گیرد مگر آنکه برای فروش تولید شده باشد. ولی فقط در اقتصاد کاپیتالیستی است که تولید کالائی به صورت طریقه رائج و غالب تولید درمی‌آید.

مالکان زمین در روسیه که در اثر باصطلاح «آزادی دهقانان»<sup>۳</sup> در حال حاضر برای بهره‌برداری از اراضی خود، به جای سرفهای محکوم به کار اجباری، از کارگران مزدور استفاده می‌کنند، از دو موضوع شکایت دارند: نخست از فقدان «سرمایه - پولی» [می‌نالند]: آنها می‌گویند پیش از فروش محصول، باید به تعداد کثیری کارگر دستمزد پرداخت شود. پس عامل اساسی یعنی پول نقد موجود نیست. [می‌دانیم که] تولید سرمایه‌داری ممکن نمی‌گردد مگر آنکه همواره سرمایه به صورت وجه نقد - مخصوصاً برای پرداخت مزد کارگران - موجود باشد. ولی مالکان زمین بی‌جهت در شکوه و شکایت مبالغه می‌کنند: صبر میوه‌ای می‌دهد شیرین و پر منفعت. با گذشت زمان، سرمایه‌دار صنعتی نه تنها پول خودش، بلکه پول دیگران را نیز در جیب خود خواهد داشت.

ولی دومین موضوع شکایت آنها، صفات ممیز و جنبه خاص مطلب را بیشتر آشکار می‌گرداند: آنها می‌گویند در صورتی که پول مورد نیاز هم موجود باشد، باز هم نمی‌توان نیروی کار مورد نظر را در موقع مناسب و به تعداد لازم اکتیاب نمود. از آنجا که مالکیت جماعتی زمین در روسیه هنوز از میان نرفته است، کارگر کشاورزی که از اراضی مذکور رسی برای خود دارد، هنوز بطور کامل از وسایل تولید خویش جدا نگشته و هنوز به معنای کامل کلمه به صورت یک مزدور یله [کارگر آزاد] در نیامده است....<sup>۴</sup>

\*\*\*

\*

## تأثیر توسعه تجارت و بازار جهانی بر وجه تولید آسیائی

نحوه ارتباط بین تولیدکنندگان و وسایل تولید، دوره‌های مختلف تکامل بنیان اقتصادی اجتماع را مشخص می‌سازد. با رشد سرمایه‌داری، طریقه‌های گوناگون تولید کالا، جای خود را به طریقه کاپیتالیستی تولید کالا می‌دهد. توسعه تدریجی طریقه مذکور سرانجام سبب انهدام کلیه وجوه تولید پیشین می‌گردد. اولین نتیجه توسعه

... در دوره‌ای که وجه تولید سرمایه‌داری به رشد و توسعه بسیار نایل می‌آید و در اثر همین امر، صورت متفوق به خود می‌گیرد، يك قسمت بزرگ از کالاهائی که وسایل تولید از آنها تشکیل می‌یابد، عبارت خواهد بود از سرمایه - کالای خارجی... [که در سیر گردش سرمایه صنعتی وارد می‌شود]. از نظر فروشنده [آن کالاهای] موضوع عبارت از تبدیل «سرمایه - کالا» به «سرمایه - پول» است، ولی این يك قاعده مطلق نیست. برعکس، در روند گردش سرمایه - که طی آن، سرمایه صنعتی یا به صورت پول یا به شکل کالا عمل می‌کند - در مدار این گردش، در دور «سرمایه - پول» یا در دور «سرمایه - کالا» با گردش کالائی وجوه تولید اجتماعی بسیار متفاوت، تقاطع و تلاقی روی می‌دهد. چندان اهمیتی ندارد که کالاهای مذکور محصول يك تولید مبتنی بر برده‌داری باشد. یا محصول کار دهقانان (کشاورزان چینی یا کشتکاران هندی) یا محصول کمونهای کشاورزی (هند هلند) یا محصول مؤسسات تولیدی دولتی (به صورتی که در اعصار قدیم تاریخ روسیه بر مبنای سرواژ دیده می‌شود) یا حاصل کار اقوام شکارچی نیمه وحشی و غیره. این محصولات بعنوان کالا یا پول، با پول و کالائی که سرمایه صنعتی را تشکیل می‌دهد روبرو می‌گردد و در حرکت دورانی سرمایه وارد می‌شود...<sup>۸</sup>

\*\*  
\*

### اقتصاد جامعه انکا يك اقتصاد طبیعی مسدود است

اقتصاد کشور پرو در عصر انکاهای، يك اقتصاد کاملاً منزوی و مسدود است که اثری از مبادله و تولید کالائی در آن به چشم نمی‌خورد و به این دلیل در هیچ يك از مقوله‌های مختلف اقتصاد مبتنی بر مبادله (براساس پول فلزی، پول کاغذی یا اعتبار) قرار نمی‌گیرد:

... يك اقتصاد طبیعی کاملاً منزوی - مانند کشور پرو در عصر انکاهای - در هیچيك از این مقوله‌های مختلف اقتصاد [مبتنی بر مبادله] قرار نمی‌گیرد...<sup>۹</sup>

\*\*  
\*

### حسابداری در جماعات روستائی هندی

در جماعات عتیق هندی، حسابداری به صورت شغل اختصاصی و وظیفه خاص يك کارمند جماعتی وجود دارد. با تعیین شخصی بعنوان حسابدار يك قسمت از نیروی کار جماعت، از تولید برکنار می‌ماند. مخارج شغل مذکور و حوائج شخص حسابدار بوسیله تمام جماعت و با برداشت از محصول اشتراکی تأمین می‌گردد.

در قرون وسطی حسابداری برای امور کشاورزی فقط در صومعه‌ها به چشم می‌خورد، معذک ما دیدیم (کتاب اول - صفحه...) که جماعات عتیق هندی برای کارهای فلاحی خود، يك حسابدار داشته‌اند. در جماعات مذکور، حسابداری به صورت شغل اختصاصی يك کارمند جماعتی است. در پرتو این تقسیم کار، در وقت، زحمت و مخارج صرفه‌جویی می‌شود. لیکن تولید و حسابداری مربوط به آن، دو امر جدا از یکدیگر است و تفاوت بین آن‌دو همچون تفاوتی است که بین بار (محموله) يك کشتی و بارنامه آن وجود دارد. با بودن شخصی بعنوان حسابدار، يك قسمت

### در طریقه‌های ابتدائی ماقبل سرمایه‌داری ذخیره کردن پول، هدف تولید کالا است

هر جا تولید کالا وجود داشته باشد، ذخیره کردن پول نیز با آن همراه است. بنابراین اقدام به تشکیل ذخایر، جریانی کلی و مشترك بین تمام انواع تولید کالا است. ولی در تولید کاپیتالیستی، ذخیره کردن پول بخودی خود هدف تولید کالا نیست، بلکه یکی از مراحل گردش سرمایه است یعنی مقدمه لازم برای تجمع سرمایه پولی و تبدیل آن به سرمایه تولیدی است؛ و حال آنکه در طریقه‌های ابتدائی ماقبل سرمایه‌داری، ایجاد ذخایر پولی، فی نفسه هدف تولید کالا است، یعنی غایت مورد نظر، فقط جمع پول و ایجاد ذخیره است. تشکیل ذخایر نقدی در آن طریقه‌ها مقدمه تشکیل و گردش سرمایه نیست و این عمل به خاطر توسعه تولید و افزودن بر اضافه ارزش و تصرف بازارها و گسترش تولید کالا انجام نمی‌گیرد:

... ذخیره صرفاً عبارت است از سرمایه خارج از گردش که شکل پولی خود را حفظ می‌کند [از ورود به مرحله تولیدی یعنی درآمدن به صورت ابزار کار و مواد اولیه و نیروی کار باز می‌ماند]. عمل ذخیره کردن، مشترك بین تمام انواع تولید کالا است ولی هدف تولید کالا نیست مگر در طریقه‌های ابتدائی ماقبل سرمایه‌داری...<sup>۷</sup>

\*\*  
\*

### تقاطع وجه تولید سرمایه‌داری با وجوه تولید پیشین

مؤسسات تولیدی متعلق به دولت در روسیه قدیم - کمونهای کشاورزی در هند هلند - وجه تولید کشاورزان چینی و هندی می‌دانیم که وسایل تولید از دو قسمت تشکیل می‌یابد: ۱- اینبه، ابزار کار و تدابیر فنی. ۲- مواد خام و اولیه. و نیز می‌دانیم که تولید کاپیتالیستی، يك تولید عالمگیر و متکی بر بازار جهانی است. در دوره‌ای که تولید مذکور به علت رشد و توسعه، به حالت متفوق و غالب درمی‌آید، قسمت بزرگی از وسایل تولید آنرا، کالاهای خارجی (و غیر کاپیتالیستی) تشکیل می‌دهد. سرمایه‌داران از تمام نقاط عالم، مواد خام و اولیه خریداری می‌کنند و به تمام مناطق جهان، کالاهای صنعتی خود را برای فروش صادر می‌نمایند. آنها پنبه، کاتوچو، ابریشم، پشم و مواد معدنی مورد نیاز را از هند انگلیس، هند هلند، چین، آفریقا، آمریکا و سایر نقاط دور و نزدیک فراهم می‌آورند. این کالاها ممکن است محصول وجوه تولید بسیار متفاوتی باشد: برخی از آنها ممکن است محصولات ناشی از يك وجه تولید متکی بر بردگی باشد و برخی دیگر از کار کمونهای کشاورزی آسیا و اقیانوسیه به دست آید و قسمتی دیگر از مؤسسات تولیدی متعلق به دولتهای مقتدر و متمرکز از نوع دولت در روسیه قدیم یا حتی از کار اقوام شکارچی حاصل شود. تمام این کالاها که از وجوه تولید مختلف ماقبل سرمایه‌داری به دست آمده، در گردش «پول - کالا» و «کالا - پول» یعنی در مسیر حرکت دورانی سرمایه صنعتی وارد می‌شود و در مدار آن به گردش درمی‌آید. منشأ آنها هرچه باشد در این مورد چندان اهمیتی ندارد. در بیان همین معنی، مؤلف کاپیتال چنین می‌نویسد:

از نیروی کار جماعت از تولید برکنار می ماند و مخارج شغل وی بوسیله کار شخصی خود او جبران نمی شود بلکه بوسیله يك برداشت از محصول اشتراکی تأمین می گردد...<sup>۱۰</sup>

\*\*

\*

## نقش پول در يك اقتصاد طبیعی مبتنی بر مالکیت اشتراکی ابتدائی و بردگی و سرواژ

در تولید مبتنی بر طریقه مزدوری یعنی در تولید کاپیتالیستی، «سرمایه - پول» نقش بس مهمی بازی می کند زیرا «سرمایه متغیر» یعنی قسمتی از سرمایه که صرف پرداخت دستمزدها می شود، در این قالب تجسم می یابد. با توسعه طریقه مزدوری، جمیع محصولات به کالا مبدل می شود یعنی ناچار باید تبدیل به پول شود و از مرحله تولید تا مرحله مصرف مسیری را طی نماید که قسمتی از آن مسیر، روبرو شدن با پول و تبدیل یافتن به آنست. در اقتصاد سرمایه داری، حجم پول در گردش باید تکافوی این تبدیل را بنماید. قسمت اعظم پول در گردش، به شکل مزد به بازار ریخته می شود. تمامی این وجوه که در ازای نیروی کار پرداخت می شود، در دست کارگران فقط يك وسیله خرید است. این درست نقطه مقابل ترتیبی است که در يك اقتصاد طبیعی (غیر کالائی) به چشم می خورد: در يك اقتصاد طبیعی که بر انقیاد یا بردگی یا سرواژ مبتنی است. در اغلب موارد متکی به يك مالکیت اشتراکی اولیه است که یا با بردگی و سرواژ توأم است و یا با آن دو توأم نیست. پول نقشی را که در تولید کاپیتالیستی واجد است ندارد؛ زیرا در آنجا فقط يك جزء از محصولات ممکن است به کالا مبدل شود و در هر حال قسمت اعظم محصول شکل کالا به خود نمی گیرد بلکه به مصرف بیواسطه اختصاص می یابد. مطالب فوق، در کاپیتال در قالب عبارات زیر آمده است:

اگر تولید کاپیتالیستی را در حالت توسعه یافته و طریقه مزدوری را در شکل متفوق خود در نظر آوریم [متوجه می شویم که] «سرمایه - پول» از این نظر که شکل پولی سرمایه متغیر است، آشکارا نقش مهمی ایفاء می نماید. با گسترش طریقه مزدوری، هر محصول به کالا مبدل می گردد و ناچار - با استثنائاتی چند - می باید مرحله تبدیل یافتن به پول را بعنوان يك قسمت از مسیر حرکت خود طی نماید. حجم پول در گردش باید این تبدیل کالاها را به پول تکافو کند. قسمت اعظم این حجم به صورت مزد [به بازار] وارد می شود، یعنی در شکلی که تجسم پولی سرمایه متغیر است و درازای نیروی کار بوسیله سرمایه دار پرداخت می گردد و تمامی آن در دست کارگران فقط يك وسیله خرید است. این درست نقطه مقابل اقتصاد طبیعی است؛ اقتصادی که بر یکی از طریقه های انقیاد، سرواژ، یا در اغلب موارد بر يك مالکیت اشتراکی کم و بیش ابتدائی متکی است که یا با بردگی و سرواژ توأم است و یا با آن دو همراه نیست...<sup>۱۱</sup>

\*\*

\*

## تفاوت برده تولیدی و برده خانگی

در نظام برده داری، پولی که صرف خرید برده تولیدی می شود درست

مانند پولی است که در نظام سرمایه داری برای ایجاد سرمایه ثابت به مصرف می رسد و استهلاك آن نیز به همان ترتیبی است که در تولید کاپیتالیستی در مورد استهلاك سرمایه ثابت دیده می شود، یعنی سرمایه پولی اولیه که از طرف صاحب برده برای خرید برده تولیدی پرداخت شده، به تدریج و در طول دوره زندگی فعال برده مستهلك می گردد و حال آنکه بردگان خانگی که برای خدمات لازم در خانواده یا به منظور تجمل و خودنمایی نگهداری می شوند در حساب ربح و استهلاك محلی ندارند و نظیر خدمه خانگی و نوکران امروزی هستند.

پولی که صاحب برده به مصرف خرید برده تولیدی می رساند، درست بمنابۀ پولی است که سرمایه دار امروزی برای ایجاد یا اجاره سرمایه ثابت خرج می کند: چنان که می دانیم سرمایه دار صنعتی، سرمایه پولی اولیه خود را به دو قسمت تقسیم می نماید، یکی از این دو قسمت به مصرف خرید نیروی کار می رسد یعنی به صورت دستمزد به کارگران پرداخت می گردد و این همان قسمتی است که «سرمایه متغیر» نامیده می شود. قسمت دیگر از سرمایه صنعتی برای ایجاد یا اجاره ابنیه و ادوات فنی و ماشین های لازم و نیز خرید مواد خام و اولیه به مصرف می رسد که این قسمت، «سرمایه ثابت» نام دارد. يك جزء از این سرمایه ثابت یعنی مواد خام و اولیه ای که در تولید کالا به کار می رود، تمامی ارزش خود را یکجا و یکباره به آن کالا منتقل می سازد؛ ولی جزء دیگر از سرمایه ثابت که عبارت از ساختمانها و ماشین ها و ادوات فنی است، به تدریج ارزش خود را به کالاها انتقال می دهد؛ یعنی از روز شروع بهره برداری تا به هنگام فرسودگی کامل، در هر دور از تولید، يك جزء از ارزش آنها به کالا منتقل می گردد. این انتقال تدریجی ارزش سرمایه ثابت به کالا در طول زمان، در اصطلاح علم اقتصاد «استهلاك» نامیده می شود. يك سرمایه دار صنعتی، در محاسبات خود همواره يك قسمت از منافعی را که عایدش می شود - یا برطبق اصطلاح مارکس يك قسمت از «اضافه ارزش» را - بابت ربح سرمایه ای که صرف خرید یا اجاره ابنیه و ماشین ها نموده و نیز بابت استهلاك اصل آن سرمایه، به حساب می آورد و این همان ترتیبی است که صاحب برده در مورد پولی که به مصرف خرید برده تولیدی رسانده است معمول می دارد. پولی که در نظام برده داری صرف خرید نیروی کار یعنی برده تولیدی می گردد، به هیچ وجه معادل و نظیر پولی که در نظام سرمایه داری به مصرف خرید نیروی کار می رسد یعنی معادل «سرمایه متغیر» نیست، بلکه نظیر سرمایه ثابت است و به همان ترتیب مستهلك می شود. به عبارت دیگر «سرمایه - پول» اولیه ای که صرف خرید برده تولیدی می شود، درست بمنابۀ «سرمایه - پول» اولیه ای است که صرف ایجاد ابنیه و ادوات فنی و ماشین ها می گردد و استهلاك آن به همان ترتیب انجام می گیرد یعنی در طول دوره فعال زندگی برده به تدریج مستهلك می گردد. در نظام برده داری آتی، منافعی را که صاحب برده از برده خود بطور مستقیم (بهره کشی از او در کارهای تولیدی) یا بطور غیر مستقیم (از طریق اجاره دادن او به صاحبان تولید) به دست می آورد، صرفاً ربح و استهلاك پولی تلقی می کند که به مصرف خرید آن برده رسانیده است؛ یعنی درست به همان ترتیب که سرمایه دار امروزی در مورد سرمایه ثابت خود

است از تبدل کالا به پول (فروش) و تبدل پول به کالا (خرید). عمل سرمایه تجاری در [همین] برقراری معاوضه کالاها بوسیله خرید و فروش خلاصه می شود و بنابراین سرمایه تجاری صرفاً واسطه مبادله کالاهاست. ولی از بیان فوق این معنی به دست نمی آید که جریان مذکور صرفاً عبارت از مبادله ساده بین تولیدکنندگان مستقیم باشد. در طریقه های بردگی، سرواژ، و حاکمیت و تبعیت (وقتی موضوع مربوط به جماعات اولیه باشد)، برده داران، سینیورها [اربابان فتودال] و دولت دریافت کننده خراج، مالک محصول و فروشنده آن هستند...<sup>۱۵</sup>

\*\*

\*

## در نظام استبداد شرقی، دولت مالک محصول اضافی است

در نظام استبداد شرقی، دولت یعنی فرمانروا صاحب محصول اضافی و طرف مراجعه سوداگران است. در این نظام از ثروت برای تمتع و کامرانی استفاده می شود و هدف از دادوستد جمع مال است و جمع مال فی نفسه هدف و غایت است. موقف اقوام سوداگر در عهدباستان و موقع یهودیان در قرون وسطی چگونه بوده است؟ در وجوه تولید آسیائی، بردگی و فتودالی، سوداگران بر سر راه صاحبان عمده محصول اضافی، یعنی «فرمانروای شرقی»، «صاحب برده» و «ارباب فتودال» دام خود را می گسترانند. برای چنین کسان، فروش محصول به ارزش واقعی آن، اساساً مطرح نیست. سوداگران در عهدباستان خود را حایل بین اجتماعاتی قرار می دهند که در آنها هدف تولید، ایجاد ارزش استعمال است. برای سازمان اقتصادی این اجتماعات نیز فروش محصول به ارزش واقعی آن، اهمیت چندانی ندارد. تفاوت منشأ سود تجاری در وجه تولید سرمایه داری و وجوه ماقبل آن در آغاز یعنی در دوران قبل از سرمایه داری، دادوستد حرکتی است در میان دونهایت. سرمایه تجاری که حرکت بین دو قطب تولید و مصرف را تأمین می کند، خود بر این دو قطب تسلطی ندارد. شکل بسیط مبادله تجاری یعنی حرکت دورانی «پول - کالا - پول» نه تنها متضمن وجود پول بعنوان «مقیاس عمومی ارزش ها» و «وسیله مبادله» است، بلکه در این سیر دورانی، پول خود شکل تجریدی کالا و بنابراین شکل تجریدی ثروت است، یعنی ثروت به شکل اندوخته پولی درمی آید که حفظ و افزایش آن، فی نفسه هدف و غایت قرار می گیرد. در وجوه ماقبل تولید سرمایه داری یعنی در دوره ای که تجارت منحصر به مبادله محصولات اضافی اجتماعات مختلف است، سوداگران از اختلاف قیمت تمام شده محصولات در جوامع مذکور استفاده می نمایند ولی آنها به این حد قناعت نمی ورزند بلکه می کوشند قسمت اعظم محصول اضافی را به اختیار خود درآورند. این سوداگران، خود را در میان اجتماعاتی حایل قرار می دهند که در آنها هدف تولید، ایجاد ارزش استعمال یعنی رفع احتیاج است. برای سازمان اقتصادی چنین اجتماعاتی فروش محصول به ارزش واقعی آن چندان اهمیتی ندارد، زیرا تولید اساساً به خاطر مبادله صورت نمی گیرد بلکه غایت آن برآوردن نیازمندیهاست و فقط زیادتی یعنی اضافه محصول در معرض دادوستد قرار می گیرد. يك منبع بزرگ دیگر برای سود تجاری در وجوه

عمل می کند. و حال آنکه بردگان خانگی که برای انجام خدمات لازم در خانواده یا به منظور تجمل و به رخ کشیدن جلال و شکوه نگهداری می شوند، اساساً در محاسبات مربوط به بهره و استهلاك محلی ندارند و نظیر خدمه خانگی و نوکران امروزی هستند:

... در نظام برده داری، «پول - سرمایه» ای که صرف خرید نیروی کار می شود، همان نقشی را ایفاء می نماید که در مورد شکل پولی «سرمایه ثابت» دیده می شود، و فقط به تدریج و همراه با سپری شدن دوره فعال زندگی برده، مستهلك می گردد. به این دلیل است که در نظر آنتیان منافعی که صاحب برده از برده خود تحصیل می نماید - چه بطور مستقیم از طریق بکار گماردن او در صناعت و چه غیر مستقیم از طریق اجاره دادن او به صنعتکاران (مثلاً برای کار در معادن) - صرفاً به مثابه ربح باضافه استهلاك اصل «سرمایه - پول» پرداختی تلقی می شود؛ درست به همان ترتیب که در تولید کاپیتالیستی، سرمایه دار صنعتی در محاسبات خود يك قسمت از اضافه ارزش باضافه ربح سرمایه ثابت را بعنوان ربح و استهلاك سرمایه ثابت منظور می دارد. این ترتیب برای کاپیتالیستهای که سرمایه ثابت (ابنیه، ماشین ها و غیره) را اجاره می کنند، يك قاعده کلی است. [درحالی که] بردگان خانگی که برای خدمات لازم یا به منظور تجمل و خودنمایی به کار برده می شوند، در محاسبات محلی ندارند و معادل نوکران و خدمه امروزی هستند...<sup>۱۲</sup>

## کاپیتال

(کتاب سوم - ۱۸۹۴)

برای ترجمه مستخرجات زیر، از همان مآخذی استفاده کرده ایم که مشخصات آنها را قبلاً (به هنگام نقل قسمتهائی از کتاب اول و دوم کاپیتال) به دست داده ایم و در اینجا نیز با همان علائم اختصاری به آنها اشاره خواهیم کرد؛ یعنی حروف «Mol» را برای ترجمه «مولیتور»<sup>۱۳</sup> و حروف «Rut» را برای ترجمه «ماکسیمیلین روبل»<sup>۱۴</sup> به کار خواهیم برد.

## پرداخت خراج به دولت از طرف جماعات بدوی

در طریقه حاکمیت بر جماعات بدوی، دولت دریافت کننده خراج، مالک محصولات و فروشنده آنست و در طریقه برده داری و سرواژ، صاحب برده و سینیور فتودال، مالک محصول و فروشنده آن هستند. مبادله از نظر مادی و ماهوی عبارت است از معاوضه کالاهاى مختلف با یکدیگر و از نظر صوری عبارت است از تبدل کالا به پول (فروش) و تبدل پول به کالا (خرید). سرمایه تجاری در این میان فقط نقش واسطه را ایفاء می نماید و تداوم مبادله کالاها را بوسیله خرید و فروش تأمین می کند. معاوضه و مبادله به ندرت بین تولیدکنندگان مستقیم صورت می گیرد. بالعکس، در اکثر موارد تولیدکنندگان مستقیم، مالک و فروشنده محصولات نیستند: در نظام بردگی، صاحب برده و در نظام سرواژ، ارباب فتودال و در نظام حاکمیت دولتی بر جماعات بدوی، دولت دریافت کننده خراج، مالک و فروشنده محصولات هستند:

... استحاله کالاها و گردش آنها، از نظرگاه مادی عبارت است از معاوضه متقابل کالاها با یکدیگر و از نظرگاه صوری عبارت



- Rub: Tome II, P.P. 556- 557.  
Ed. Sociales: Liv. II, tome I, P.35.  
6. Mol: tome V, P.P. 63-64.  
Ed. Sociales, Liv II t. II. P.37.  
7. Mol: tome V, P. 143.  
8. Mol: tome V, 188.  
Rub: t. II. P. 553, note (a).  
9. Mol: t.V, P. 199.  
Rub: t. II. P. 559.  
Ed. Sociales: Liv II, t. I, P. 107.  
10. Mol: t.V, P. 228 note no. 1.  
Rub: t. II, P. 572 note (a).  
11. Mol: tome VIII, P.P. 131- 132.  
Rub: t. II, P. 812.  
Sociales. Liv. II, t. II, P. 126.  
12. Mol: tome VIII, P.P. 132- 133.  
Rub: tome II, P. 812.  
13. Ouvres complètes de Karl Marx: «Le Capital», traduit par J. Molitor, Livre III (tomes IX, X, XI, XII, XIII et XIV)  
Ed. Alfred Costes. Paris 1946.  
14. Karl Marx: Oeuvres. Economie II.  
Edition établie et annotée par Maximilien Rubel:  
Bib. de la Pléiade (nrf). Paris 1968 (Le Capital, Livre III, P.P. 865-1488).  
15. Mol: tome XI, P.P. 104-105.  
Rub: tome II, P. 1094.  
Ed. Sociales: Liv. III, tome I, P. 335.  
16. Mol: tome XI, P.P. 111-113.  
Rub: tome II, P.P. 1098-1099.  
Ed. Sociales: Liv. III, t.I, P.P. 338-339.  
۱۷. «تاریخ استیلاي انگلیسیان بر هند، بهتر از تمام موارد مشابه حاوی شرح تجارب اقتصادی شکست خورده - تجارب واقعاً غیر معقول و حتی شرم آور- است: آنها در بنگال کاریکاتوری از مالکیت بزرگ ارضی انگلیس به وجود آوردند و در جنوب شرقی هند، کاریکاتوری از نظام مالکیت های کوچک و فردی زمین ترتیب دادند و بالاخره در شمال غرب آن کشور، طریقه مبتنی بر مالکیت اشتراکی زمین را چنان دگرگون ساختند که نظام مذکور به کاریکاتوری از خودش مبدل گشت.» (زیرنوشت از مارکس)  
۱۸. «از زمانی که روسیه برای توسعه بخشیدن به تولید کاپیتالیستی خود - تولیدی که منحصرأ از بازار داخلی و بازارهای ممالک آسیای همجوار استفاده می کند - دست به تلاشهای مذبحخانه ای زده است: در این مورد نیز دگرگونی پیش آمده و علائمی دال بر تغییر این وضع مشهود گردیده است.» (زیرنوشت از فردریش انگلس).  
19. Mol: tome XI, P.P. 116-117.  
Rub: tome II, P.P. 1101-1102.  
Ed. Sociales: Liv. III, tome I, P.P. 341-342.  
۲۰. «این توصیفی است از پدیده حکومت مطلقه متمرکز (توتالیتار)، توصیفی کلی و عام که شامل زمان حال نیز می شود و کلیت و شمول آن بر دوران معاصر را نمی توان مورد انکار قرار داد. دولت خیر ورفاه از هر نوع - چه کاپیتالیست باشد و چه نام سوسیالیست برخوردار، درجه جا مجری همین وظایف خاصی است که در متن تشریح شده است.» (زیرنویس از ماکسیمیلیان روبل - ذیل شماره ۱ صفحه ۱۱۲۵ که در قسمت یادداشت های مربوط به متن در صفحه ۱۷۸۵ آمده است).  
21. Mol: tome XI, P.P. 195-199.  
Rub: tome II, P.P. 1144-1146.  
Ed. Sociales. Liv. III, tome II, P.P. 48-49.

... در جمیع مواردی که تولید به صورت يك روند اجتماعاً هماهنگ درمی آید، یعنی در هر جا که کار از شکل فعالیت فردی يك تولیدکننده مستقل خارج باشد، عمل مراقبت و مدیریت بالضروره پیش می آید. ولی کار مدیریت و مراقبت بر دو نوع است: از يك طرف در تمام مواردی که تعداد کثیری از افراد با یکدیگر همکاری می کنند، پیوستگی و وحدت تلاشها لزوماً اراده واحدی که فرماندهی را برعهده دارد و در اقداماتی که هدف آن مجموع فعالیتهای کارگاه است، منعکس می گردد و این درست همانند کار رهبر ارکستر است که موضوع آن فعالیت فردی اعضای ارکستر نیست بلکه مجموع فعالیتهای آنها [هماهنگی و ترکیب آنها] را موضوع و هدف قرار می دهد. کار مراقبت در این مورد، يك کار مولد است.

از طرف دیگر... این کار مراقبت در جمیع وجوه تولید که بر تضاد بین کارگران (تولیدکنندگان مستقیم) و صاحب وسایل تولید مبتنی است، ناچار به وجود می آید. هرچه تضاد مذکور عمیق تر باشد، عمل مراقبت نیز نقش مهمتری خواهد داشت و به همین دلیل است که در نظام بردگی، وظیفه مراقبت، حد اعلاي اهمیت را واجد می شود. ولی در نظام سرمایه داری نیز - که در آن، روند تولید در عین حال عبارت از روند مصرف (مصرف نیروی کار بوسیله کاپیتالیست) است - عمل مراقبت به همان ترتیب، ضروری و غیرقابل اجتناب است و نیز به همین سان است در حکومت های استبدادی که کار مراقبت و مداخلات گوناگون دولت، در عین حال هم هدایت و رهبری امور عمومی - که با ماهیت تمام اجتماعات ملازم است - و هم اعمال و وظایف خاصی را که ناشی از تضاد بین حکومت و تمامی ملت است، شامل می گردد<sup>۲۰</sup>....

کار مدیریت و رهبری، در صورتی که از نوع وظیفه خاص و ضرور در مورد کارهای جمعی و هماهنگ نباشد، ناشی از تضاد بین مالک وسایل تولید و مالک نیروی کار خواهد بود....  
کار مدیریت و رهبری که از روابط مبتنی بر تضاد - تضاد ناشی از سلطه سرمایه بر کار - سرچشمه می گیرد، مشترک بین تمام وجوه تولیدی است که اساس آنها بر تعارض طبقات گذاشته شده است و در همه آنها [بالضروره] وجود دارد....<sup>۲۱</sup>

### ■ زیرنویس ها:

1. F. Engels Briefwechsel mit Kautsky, Prag - 1935, P.P. 81-83.

به نقل از:

F. Engels: L' origine de la famille, etc. (Annexes) Ed. Sociales. Paris 1966, P.P. 302-304.

2. Oeuvres Complète de Karl Marx: «Le Capital»: Traduit par J. Molitor. (Livre II, tomes V, VI, VII, VIII) Ed. Alfred Costes.

3. Karl Marx: Oeuvres: Economie II. Edition établie et annotée par Maximilien Rubel. Bib. de la Pléiade (nrf). Paris 1968 (Matériaux pour la deuxième volume du Capital - Livre II. P.P. 499- 863)

۲. منظور اصلاحات ارضی سال ۱۸۶۱ است که به فرمان امپراتور الکساندر دوم صورت گرفت و در اثر آن مبانی کمونهای کشاورزی و مالکیت جماعی زمین متزلزل گردید و راه برای رشد طریقه استحصال سرمایه داری هموار شد.

(م.خ)

5. Mol: Tome V, P.P. 57-59.